

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیستم، شماره هفتاد و هشتم

تابستان ۱۳۹۸

تحلیل بحران اقتصادی مصر در سال های ۲۹۶ تا ۸۰۶ قمری؛ نمونه ای از روش تاریخ نگاری مقریزی (د. ۸۴۵ ق)

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۳۱

تاریخ تأیید: ۹۸/۵/۴

زهرا روح الهی امیری^۱

مطالعات روش شناختی مورخان مسلمان می تواند بخشی از میراث گذشتگان را بازنمایی کند و الگوهایی را برای پژوهش، پیش روی تاریخ پژوهان قرار دهد. مقاله حاضر می کوشد با بررسی تحلیل تقی الدین احمد مقریزی (د. ۸۴۵ ق) درباره بحران های اقتصادی مصر، دریچه ای به سوی شناخت روش شناسی او بگشاید.

نتیجه این مقاله نشان می دهد که مقریزی با مبنا قرار دادن یک فرضیه، ارائه نمونه هایی عینی از مشاهدات خود و مقایسه و تطبیق نمونه های تاریخی با نمونه های مشابه این بحران ها در دوره خود توانسته است بین متغیر بحران قحطی مصر و سیاست های پولی دولت، ارتباطی عکس - معلولی برقرار کند و نظریه ای درباره ارزش ذاتی پول ارائه نماید. این نظریه، جایگاه مقریزی را بالاتر از دیگر اقتصاددانان عرصه پول قرار می دهد.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه باقر العلوم بأمر الله (z.roholahiamiri@yahoo.com).

کلیدواژگان: تقی‌الدین احمد مقریزی، مصر، روش‌شناسی تاریخی، بحران اقتصادی، نظریه پول.

۱. مقدمه

مصر سرزمینی پر از تحولات تاریخی است که هر کدام از آنها، موضوع‌های خوبی برای مشاهدات یک مورخ محسوب می‌شوند. تحولات گسترده در صحنه سیاسی، اجتماعی و حتی طبیعی، حملات متعدد صلیبی‌ها (۴۹۰-۶۷۰ ه.ق)، حمله مغولان در قرن هفتم به مناطق غربی جهان اسلام و پس از آن یورش تیمور به دمشق و مصر (۸۰۱-۸۰۳ ه.ق) اوج بحران‌های سیاسی را در یک دوره نه چندان طولانی نشان می‌دهند.

هم‌زمان با این شرایط سیاسی، مصر گرفتار وقایع طبیعی متعددی گردید و قحطی، گرسنگی و کم شدن آب نیل بر مشکلات مردم افزود. تأثیر وضعیت بد اقتصادی حاصل از این عوامل بر زندگی مردم از یک طرف و از طرف دیگر، عملکرد نامطلوب حاکمان مصر، وضعیت این سرزمین را در حالت بحرانی قرار داد. در این شرایط، علما و بزرگان سیاسی و اقتصادی که بر مسند قدرت بودند و این مصائب را درک می‌نمودند به ارائه راهکارهایی برای رفع بحران پرداختند.

مقریزی (د. ۸۴۵ ه.ق) یکی از عالمانی است که ولایت او بر حسیبه قاهره که مهم‌ترین منصب اقتصادی مصر بود و همکاری نزدیک او با حاکمانی، چون الظاهر (ح. ۷۹۳-۸۰۱ ه.ق) این فرصت را برایش به وجود آورد تا با اشراف بر همه جوانب به طرح این موضوع بپردازد و به علل به وجود آمدن این بحران‌ها توجه کند و به ارائه راه حل مناسب برای رفع آنها اقدام نماید.

آرای او در کتاب‌هایش انعکاس یافته است.^۱ لحن تحلیل‌های اقتصادی و اجتماعی مقریزی در این کتاب‌ها، شاگردی او را در مکتب ابن‌خلدون در مدت اقامت او در جامع الازهر، مدرسه قمحیه^۲ و خانقاه بیبرسیه^۳ اثبات می‌نماید.^۴

برای این پژوهش مهم است که روشن شود، مقریزی چگونه توانست به راه حل‌های درمانی برای بحران‌های عصر خویش برسد؟ روش او برای بررسی اوضاع عصر خویش چه بود؟ و به چه نتیجه‌ای رسید؟ این امر می‌تواند، الگوی خوبی برای محققان تاریخ برای گذر از تاریخ‌نویسی سنتی و وقایع‌نگاری به شیوه تاریخ‌نگاری تحلیلی باشد.

درباره مقریزی و تاریخ‌نگاری او، آثار مختلفی نوشته شده است. بخشی از این تحقیقات، اختصاص به خود مقریزی دارد و اندکی از آنها در حاشیه به کتاب‌های *المواعظ والاعتبار و اغاثة الامة بکشف الغمة* و اهمیت آنها در تاریخ‌نگاری می‌پردازند.

در میان پژوهش‌هایی که در ایران انجام گرفته است، دکتر عبدالله نصری طاهری سعی در معرفی این تاریخ‌نگار دارد و مقاله‌هایی درباره مقریزی ارائه می‌دهد. ایشان در یکی از مقالاتی که در سایت شخصی خویش، تاریخ نوشت منتشر کرده است در این باره می‌نویسد:

۱. کتاب‌های *اغاثة الامة بکشف الغمة و السلوک لمعرفة دول الملوک و رسالة النقود الالامیة*، دیدگاه او را در مورد علل بحران مصر در بر دارند.

۲. این مدرسه به وسیله صلاح الدین ایوبی برای حنفیان ساخته شد (ر.ک: ابن دقماق، ج ۴، ص ۹۵).

۳. این مکان به وسیله رکن‌الدین بیبرس جاشن‌گیر منصوری پیش از آن‌که به حکومت برسد، ساخته شد. مقریزی آن را از بزرگ‌ترین بناها می‌داند که به جهت وسعت و تشکیلات گسترده در میان خانقاه‌های باقی مانده از دوره ممالیک برتری دارد. این خانقاه در محل کاخ وزیران فاطمی در سال ۷۰۹ هجری ساخته شد. پس از ساخت آن، برایش آبادی‌های فراوانی در مناطق مختلف مانند دمشق، حماة، جیزه و صعید مصر قرار دادند (ر.ک: مقریزی، *السلوک*، ج ۳، ص ۶۱).

۴. مقریزی، همان، ص ۱۱.

مقریزی آثار فراوانی بر جای گذاشته و نظریات بدیعی در حوزه تاریخ‌نگاری از خود بر جای گذاشته، اما آنچه او را از همه مورخان ممتاز می‌کند، بررسی سیاست‌های سوء اقتصادی حکومت و تأثیر آن بر اجتماع می‌باشد.

این سخن دکتر ناصری بر اساس بررسی کتاب کم حجم *اغاثة الامة بکشف الغمة* است. ایشان از قول دکتر مصطفی الساعی، این نکته را عنوان می‌کند که مقریزی اولین نویسنده عرب است که به اثر پول نقد در حیات اقتصادی و اجتماعی توجه کرده است. عبدالله ناصری در این مقاله به مشکلات اقتصادی در مصر می‌پردازد و سعی می‌کند طرحی از یک مقاله مفصل‌تر را در آینده بنا کند و به تاریخ‌نگاری اقتصادی بپردازد. مقاله دیگر ایشان که به نظر می‌رسد ادامه همان نوشته قبلی است با عنوان *جامعه‌شناسی اقتصادی در میراث مکتوب مسلمانان* در سایت تاریخ نوشت منتشر شده است.

ناصری در این مقاله می‌کوشد پس از معرفی مقریزی در عباراتی کوتاه به این مسئله بپردازد که نویسنده پانصد سال پیش از مکتب آنال^۱ بر تأثیر جغرافیا بر تاریخ تأکید داشته است. علاوه بر این، مقریزی تاریخ‌نگاری کمی را وارد عرصه تاریخ کرده است. او معتقد است که نظریه مقداری پول که امروز مورد توجه تاریخ‌نگاران آمریکایی قرار گرفته است در قرون هشت و نه هجری مورد توجه مقریزی بود و با استفاده از این نظریه به تحلیل

1. Annal.

مکتب تاریخ‌نگاری آنال در اوایل قرن بیستم در فرانسه شکل گرفت. بنیان‌گذاران این مکتب، مارک بلوخ و لوسین فور بودند. این مکتب تأثیر بسیاری بر کارهای تاریخ‌نویسی در فرانسه و شماری از دیگر کشورها گذارد. به‌ویژه در زمینه‌های استفاده از روش‌های علوم اجتماعی به‌وسیله پژوهش‌گران تاریخ، تأکید بیشتر بر جنبه‌های اجتماعی تا جنبه‌های سیاسی و دیپلماتیک در پژوهش‌های تاریخی و رویکردی بر ضد تحلیل طبقاتی تاریخ‌نگاری مارکسیستی این تأثیر بسیار بود.

اوضاع اجتماعی مصر می‌پردازد. این نوشته‌ها اشاره‌ای به روش‌شناسی مقریزی در بررسی بحران مصر ندارند.

هم‌چنین، کتاب *اقتصاد جامعه مدیریت در تاریخ‌نگری مقریزی* نوشته آقای غلامی دهقی^۱ در بخش پایانی خود، ترجمه *اغاثه الامة بکشف الغمة* را در بردارد و سه فصل از کتاب به تحقیق و بررسی نویسنده درباره تاریخ‌نگاری مقریزی اختصاص می‌یابد. فصل اول کتاب به شخصیت علمی مقریزی و روش تاریخ‌نگاری او، فصل دوم به روش تحقیق اجتماعی در کتاب و فصل سوم به نظریه اجتماعی کتاب *اغاثه الامة* می‌پردازد و در نهایت ترجمه *اغاثه الامة* را در بخش پایانی کتاب می‌آورد.^۲

براین اساس، در این پژوهش سعی می‌شود با تمرکز بر موضوع بحران، مراحل تحقیق و روش مقریزی در این مسئله بررسی گردد.

۲. استقرای نمونه‌های تاریخی

یکی از روش‌های تحقیق در علوم طبیعی، روش استقرا است. در این روش، ابتدا محقق فرضیه‌ای را برای خود در نظر می‌گیرد که به آن فرضیه تحقیق گفته می‌شود. سپس به دنبال نمونه‌های عینی و خارجی برای سنجش و ارزیابی نظریه خویش بر می‌آید. البته، این ارزیابی از مشاهده، مقایسه و تطبیق نمونه‌ها را در بر دارد. در نظم استقرایی میان دو یا چند متغیر، قرینه‌ای قوی دال بر وجود پیوندی علی وجود دارد.^۳

مقریزی برای ریشه‌یابی بحرانی که مصر به آن گرفتار شده بود از روش استقرایی بهره برد. او ابتدا به استقرای نمونه‌ها در تاریخ این کشور پرداخت تا از نمونه‌های مشابه بتواند ریشه بحران اقتصادی معاصر خویش را کشف نماید. هدف اول او از این کار این بود

۱. غلامی دهقی، *اقتصاد، جامعه و مدیریت در تاریخ‌نگاری مقریزی*.

۲. همان.

۳. دانیل تیل، *تبیین در علوم اجتماعی*، ص ۳۳.

که مردم را مجاب نماید که تنگناها و سختی‌های اقتصادی فقط مختص عصر آنها نیست. بنابراین، به آنها توصیه کرد که فقط به تنگی‌ها و سختی‌های اوضاع عصر خویش نگاه نکنند. بلکه با آگاهی از گذشته، شرایط حاضر را بر خود هموار نمایند و ببینند در گذشته مردم با مشاهده چنین رویدادی چگونه عمل می‌کردند.

هدف دوم مقریزی، بررسی نمونه‌های تاریخی و ارائه راه حل نهایی برای حل بحران با اقتباس از گذشته بود.^۱ او برای نشان دادن نمونه‌های عینی و تاریخی، چنین روشی را برمی‌گزیند تا مردم را از یأس و ناامیدی برهاند. مقریزی در این باره می‌نویسد:

مردم می‌پندارند که در گذشته این‌گونه گرفتاری‌ها نبوده است و سابقه

نداشته است و برطرف شدن و رهایی مردم از آنها ناشدنی است. این تصور و

پندار به جهت فقدان آگاهی و شناخت و ناامیدی از رحمت خدا است.^۲

در فصل سوم *اغاثه الامة* با عنوان «در بیان علل پیدایش گرفتاری‌های روزگار ما در مصر» پس از گذار از تاریخ پر فراز و نشیب مصر به تحلیل حوادث می‌پردازد و به خواننده می‌گوید که این حوادث، فقط لایه‌هایی رویی از تاریخ هستند، پس باید به علل به وجود آمدن آنها توجه کرد تا نتیجه اصلی خواندن تاریخ که همان عبرت آموزی از تاریخ و کسب تجربه است، محقق شود.^۳

۳. شناخت عوامل بحران ساز

شناخت بحران‌های اقتصادی مشابهی که در تاریخ مصر رخ داده است، عواملی که آنها را به وجود آورده است و چگونگی برطرف شدن این بحران‌ها، مراحل هستند که مقریزی در

۱. همان، ص ۳۵.

۲. همان.

۳. مقریزی، *اغاثه الامة*، ص ۷۱.

تاریخ‌نگاری خود می‌پیماید. او با استقرای این نمونه‌ها از زمان فراغنه تا دوران خویش به کشف دو عامل طبیعی و اقتصادی موفق گردید.

۳-۱. عوامل طبیعی

مقریزی با ارائه سیری تاریخی از دوران فراغنه پیش از طوفان تا پس از طوفان و زمان یوسف نبی علیه السلام به بررسی وضعیت طبیعی مصر می‌پردازد. سپس، آن را پس از ورود به دوره اسلامی و عصر خلفای فاطمی و ایوبیان دنبال می‌کند. او در گزارش‌های تاریخی که به دست آورد مهم‌ترین عامل اصلی قحطی در همه این دوره‌ها را باز ایستادن رود نیل و به تعبیر خودش تکان نخوردن آن^۱ و در نتیجه خشک شدن چشمه‌ها، وزیدن بادهای سیاه و از بین رفتن غلات می‌دید که پی‌آمد این‌ها بیماری، تب، گرسنگی و مرگ و میر بود.^۲

او در عنوان «گزارش گرانی‌ها و حکایت‌هایی از قحطی در مصر» اخبار دوران پیش از طوفان نوح و پس از آن را می‌آورد و دوران فراغنه در مصر را دنبال می‌کند. او به بالا رفتن قیمت‌ها، قحطی و کمبود غذایی در مصر در پی نقصان رود نیل و یا طغیان بیش از حد متعارف آن اشاره می‌نماید. مقریزی در شرح خبر قحطی‌هایی که در زمان ریان بن افریم، فرعون زمان یوسف علیه السلام رخ داد برای تأیید مطلب خود به آیه‌های قرآن تمسک می‌کند^۳ و در این باره می‌نویسد:

و به تحقیق فرعونیان را به خشک‌سالی و کمبود محصولات دچار نمودیم تا

۱. با بالا آمدن رود نیل، آب به مزارع اطراف سرازیر می‌شود و علاوه بر مشروب ساختن زمین‌ها، مواد معدنی مناسب برای زمین‌های کشاورزی به همراه نیل وارد زمین می‌شود. بنابراین، رود نیل عامل حیات در سرزمین مصر تلقی می‌شود (مقریزی، کشف الغمّة، ص ۳۵).

۲. همان، ص ۳۴-۵۴.

۳. همان، ص ۴۰.

شاید متبیین گردند.^۱

هم‌چنین، او این اخبار را از فتح مصر تا زمان خودش بررسی می‌کند و ارتباط نیل و بالا رفتن قیمت‌ها را دنبال می‌نماید و اخبار وحشتناکی مانند خوردن گوشت بنی آدم در این دوران، مرگ و میرهای وسیع، خرابی دیه‌ها و آبادی‌ها و شیوع بیماری‌هایی مانند طاعون و وبا که بر این عامل طبیعی اضافه شده بودند و انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دادند، بیان می‌کند.^۲

مقریزی به این نتیجه می‌رسد که عوامل طبیعی چون کمی باران‌های موسمی، آفات آسمانی، ملخ و بادهای سمی همیشه در طول تاریخ، عامل گرانی و قحطی بوده است. سپس به بیان این نمونه‌ها در مصر می‌پردازد. توقف آب نیل در زمان هفدهمین پادشاه مصر پیش از طوفان در یک دوره طولانی صد و چهل ساله^۳ را به عنوان نمونه این حوادث می‌آورد. همین طور به شیوع موش در سال ۳۴۱ هجری^۴ به عنوان یک عامل طبیعی در ایجاد گرانی اشاره می‌نماید.

آنچه به عنوان پی‌آمد این وضعیت، مورد توجه مقریزی قرار می‌گیرد از بین رفتن امنیت جامعه و مرگ و میرهای ناشی از گرسنگی است. ناامنی اجتماعی و دزدیده شدن زنان در جاده‌ها، یکی از نتایج چنین وضعیتی است.^۵

نمونه‌ای دیگر این است که در دوره خلافت مستنصر فاطمی (۴۲۷-۴۸۸ ق) گروهی بر پشت بام خانه خویش می‌نشستند در حالی که ریسمان و طناب قلاب و گیره دار به

۱. «وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقَّصْنَا مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذْكُرُونَ» اعراف / ۱۳۰.

۲. مقریزی، کشف الغمّة، ص ۳۷.

۳. همان، ص ۳۹.

۴. همان.

۵. همان، ص ۴۳.

همراه داشتند و هرکس را که از کوچه‌ها عبور می‌کرد به سرعت به دام می‌انداختند و گوشتش را تکه تکه می‌کردند و می‌خوردند.^۱

هم‌چنین، در دوران ملک ناصر محمد قلاوون (۶۹۸-۷۴۱ ه.ق) به دلیل کمبود گندم و گرانی قیمت نان بر در هر مغازه‌ای، چهار نفر چوب به دست می‌گماشتند تا از غارت نانوايي جلوگیری کنند.^۲

مقریزی قحطی و کمی غله را امری عادی و همیشگی در مصر اعلام می‌کند و نمونه‌های آن را در همه دوره‌ها بیان می‌کند. قحطی و خشک‌سالی تأثیرش بر مصر، دوسال به طول می‌انجامید و سبب آن این بود که قیمت غلات در سال اول بالا می‌رفت و کمبود آن در سال زراعی دوم، خود را نشان می‌داد. کشاورز بذر را با قیمت بالاتری تهیه می‌کرد و این امر در قیمت محصول سال بعد هم مؤثر بود. او از قحطی ۸۰۷ هجری یاد می‌کند که به دلیل سوء تدبیر و فساد دولت، قیمت گندم به چهارصد درهم رسید و نیمی از مردم به جهت گرسنگی و سرما تلف شدند.^۳

مقریزی با این روش استقرایی، یکی از عوامل بحران ساز را در سال‌های (۷۹۵-۸۰۸ ه.ق) عامل طبیعی می‌داند که در طول تاریخ مصر تکرار شده است.

۲-۳. ناکارآمدی دستگاه سیاسی

مقریزی در ریشه‌یابی دلیل اصلی این وقایع، در کنار عوامل طبیعی به عامل مهم دیگری در بروز بحران‌ها اشاره می‌کند که پیچیده‌تر از عوامل طبیعی است. او این عامل مهم را ناکارآمدی دستگاه سیاسی می‌داند و با تکیه بر تجربه کاری خود، رسوخ رشوه در

۱. همان، ص ۴۹-۵۳.

۲. همان، ص ۶۹.

۳. مقریزی، *اغاتة الامة*، ص ۷۳.

میان دولتیان، سیاست‌های پولی و افزایش هزینه‌های جاری دولت را عامل اصلی بسیاری از بحران‌های موجود در این سال‌ها عنوان می‌کند.

۳-۲-۱. تصدی مناصب دولتی و دینی با رشوه

«ولایة الخطط السلطانیة و المناصب الدینیة بالرشوة»، مقریزی این عامل را ریشه و اصل فساد می‌داند. دستیابی به مناصب دینی، وزارت، قضاوت، نیابت از سلطان، محتسب و هر منصب دیگر که یا جزئی از مناصب دینی بودند و تصدی آنها با علما بود و یا مناصب سیاسی و مالی در دولت بودند، جز با رشوه امکان پذیر نبود.^۱

بدین ترتیب، راه برای ورود عناصر بی‌لیاقت و انسان‌های جاهل و مفسد در دستگاه دولتی باز شد. ارتباط با ملازمان سلطان کافی بود تا این افراد با پرداخت مالی به سلطان، هر سمتی را که بخواهند تصاحب نمایند. جبران این مال، جز از طریق قرض گرفتن و یا وعده‌هایی که هرکدام سبب افزایش ملازمان او می‌گردید، نبود. نتیجه آن که کارگزاران دولتی که با این شیوه به مناصب می‌رسیدند چشم‌ها را می‌بستند و با مال و جان مردم بی‌مبالاتی رفتار می‌کردند و از ریخته شدن خون بی‌گناه، تلف شدن اموال مردم و بردگی رفتن ناموس دیگران ابایی نداشتند.^۲

علاوه بر این، پرداخت هزینه‌های سالانه مهمانانی که از مناطق دیگر می‌آمدند و یا ملازمان سلطان بر عهده این امرا قرار داشت. بنابراین، میزان دریافتی آنها و آنچه از اموال و حیوانات در اختیارشان بود، کفاف این ریخت و پاش‌ها را نداشت^۳ و آنها را وادار می‌کرد تا با افزایش اجرت زمین و مالیات بتوانند هزینه‌های جاری خود را تأمین نمایند.

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان، ص ۷۴.

بدین ترتیب، مجموعه ای از علت‌ها که مانند تاری به هم مرتبط شده بودند، عامل ایجاد گرانی‌ها و در نتیجه بحران‌های اقتصادی در جامعه می‌شدند. این چالش‌ها سبب نارضایتی مردم و در نتیجه مهاجرت آنها می‌شد و به دنبال این مهاجرت، جامعه از تولیدکنندگان و در نتیجه از مالیات دهندگان تهی می‌گردید. مقریزی نتیجه این وضعیت را در دوران خود، اختلاف شدید میان دولتیان بر سر تصاحب منافع بیشتر، شورش مردم، ناامنی و سلطه حرامیان و راهزنان عنوان می‌کند.^۱

در نامه ای از تیمورلنگ (۷۷۱-۸۰۷ ق) به ملک‌ظاهر (۷۹۵-۸۰۸ ق)، او دلیل حمله به مناطق تحت امر ممالیک را آغشته شدن دست امرای مملوک به رشوه اعلام می‌کند و در این باره می‌نویسد:

تعداد زیادی از اهالی مصر خیر داده‌اند که شما اموال یتیمان را می‌خورید و حکام و امرایان رشوه می‌پذیرند و اموال فراوانی از این روش به دست می‌آورند.^۲

به دنبال آن، حملات تیمور به نواحی شامات شروع گردید و این امر سبب از بین رفتن نفوس فراوان و بلایای بزرگ در این نواحی شد. ابن‌ایاس، آغاز قرن هشتم را سال سختی، مصیبت و ناراحتی‌های فراوان، مرگ و فنای مردم می‌داند. دلیل اضطراب و نگرانی مردم، اخباری بود که از حمله تیمور به شامات رسید. اخبار این حمله به همراه فراوانی مفاسد و عدم امنیت مردم در تمامی مناطق، شرایط نگران‌کننده‌ای را برای مردم پدید آورد.^۳

۱. همان، ص ۷۵.

۲. ابن‌ایاس محمد بن محمد، بدائع الزهور فی وقایع الدهور، ج ۱، ص ۴۶۶.

۳. همان، ص ۴۸۳.

در این بخش، برخلاف دیگر موارد، مقریزی فقط به توصیف وضعیت بحرانی زمان خود توجه می‌کند و از پیمایش تاریخ برای استخراج نمونه‌های مشابه با این دلیل خودداری می‌نماید. بنابراین، در این مورد، استقرایی به‌وسیله او انجام نمی‌شود.

۳-۲-۲. سیاست‌های پولی دولت

یکی دیگر از دلایل اصلی بحران ساز در مصر که با استخراج نمونه‌های تاریخی و استقرای موارد شبیه به آن ارائه می‌شود، سیاست‌های پولی دولت‌ها در ضرب سکه بوده است. این سیاست از سویی با موضوعی به نام ضرب سکه‌های دارای ارزش ذاتی و از سوی دیگر با بحث میزان ضرب سکه در ارتباط است. مقریزی به تناسب به هر دوی این‌ها می‌پردازد و نقش ارزش ذاتی سکه طلا و میزان کمی پول‌های کم ارزش را در جامعه از عوامل بحران ساز می‌داند.

۳-۲-۱. ضرب سکه کم ارزش

مقریزی با تحلیل عملکرد دولت در موضوع پول و نقود شرعی، وارد شدن دولت در امور مختلف پولی و رواج دادن سکه‌های بی ارزش^۱ را عوامل اصلی به وجود آمدن بحران اقتصادی می‌داند. او درباره ارزش ذاتی پول در گردش جامعه و کمیت این پول به ارائه نظریه می‌پردازد و بر روی دو متغیر پول کم ارزش و با ارزش و ارتباط آن با بحران‌های اقتصادی تأمل می‌نماید. مقریزی به تحلیل و نمونه برداری از تاریخ و تبیین شرایط

۱. پول فلزی به ویژه طلا و نقره به دلیل تراکم ارزش فراوان در حجم کم به سهولت قابل حمل و نقل هستند و این خصلتی است که این دو فلز را از همان آغاز به صورت مناسب‌ترین وسیله داد و ستد با نواحی دوردست در آورد. از این گذشته، فلزات دوام بسیار دارند و کمتر فاسد می‌شوند. به ویژه زر و سیم که زنگ نمی‌زنند و بدین لحاظ به عنوان ذخایر ارزش مناسب و مطلوب هستند (فرح قبادی و فریبرز رئیس دانا، پول و تورم، ص ۴۲).

مختلف می‌پردازد و اعلام می‌کند، هرگاه نوع پول رایج در جامعه، ارزش و کیفیت خود را از دست دهد، بحران اقتصادی را در پی خواهد داشت.

مقریزی برای اثبات این موضوع به استقرا در تاریخ اسلام می‌پردازد و رواج پول‌های با ارزش را در تاریخ ملت‌ها دنبال می‌کند. او این موضوع را از زمان آفرینش آدم شروع می‌کند و برای اثبات عقیده خود به روایتی از ابن عساکر درباره ضرب اولین سکه دینار و درهم به وسیله حضرت آدم اشاره می‌نماید.^۱ سپس، گزارش مفصلی درباره ضرب سکه از آغاز اسلام تا قرن سوم ارائه می‌کند و از عبیدالله بن زیاد به عنوان اولین کسی که پول بد یا سکه‌های مغشوش ضرب کرد، نام می‌برد. سپس، این اخبار را در مصر دنبال می‌کند و رواج درهم و دینار در مصر را از زمان فتح اسلام تا زمان خویش دنبال می‌نماید.^۲

این تبیین برای اثبات نظریه‌ای بود که در ابتدا برای مرتبط ساختن مسئله سیاست پولی و بحران اقتصادی مطرح می‌نمود. برخی از محققان معاصر بر این عقیده هستند که مقریزی با این نوع تحلیل به ارائه نظریه‌ای در تاریخ موفق شده است که نظریه‌پردازان اقتصادی چون گرشام^۳ و ایرونگ فیشر^۴، سال‌ها بعد از مقریزی، موفق به فهم چنین فرایندی در اقتصاد دولت‌ها شدند.

۱. همان، ص ۷۷.

۲. همان، ص ۸۱-۹۱.

3. Sir Thomas Gersham.

بازرگان انگلیسی، سر توماس گرشام در سده شانزدهم میلادی می‌زیست. او سمت مشاور مالی الیزابت اول، ملکه انگلیس را بر عهده داشت.

4. Irving Fisher (1867-1947).

یکی از پرآوازه‌ترین اقتصاد دانان آمریکا بود که با رونمایی از رابطه‌ای بر پایه تمایز میان بهره واقعی و اسمی، تحولی شگرف در اقتصاد رقم زد.

قانون گرشام که با عنوان «پول بد، پول خوب را از جامعه خارج می‌کند» مشهور است، به‌وسیله سرتوماس گرشام در قرن شانزدهم میلادی مطرح شد^۱ که حداقل یک قرن پیش از تولد او به‌وسیله مقریزی مطرح شده بود. این قانون می‌گوید که هرگاه دو نوع سکه با دو نوع فلز متفاوت با نرخ مبادله معینی در جریان باشند و ارزش فلزی که در ساخت آنها به کار رفته است، متفاوت باشد، در این حالت سکه‌ای که از ارزش بیشتری برخوردار است به تدریج از صحنه خارج می‌شود و جای خود را به فلز بد می‌دهد^۲

مقریزی معتقد بود، نقش دولت ممالیک در فراهم آمدن چنین وضعیتی مؤثر بوده است. او در یک بررسی تطبیقی و مبسوط در دوره‌های مختلف، آثار این وضعیت را تشریح می‌کند و به ارزیابی ارزش پول‌های رایج و نقش دولت‌ها در کاهش و افزایش اعتبار پول‌ها می‌پردازد. او از پولی به‌نام فلوس نام می‌برد که از مس بود و بیش از پول‌های دیگر به کار می‌رفت. نوع دوم، دینار طلا بود که بسیار اندک به کار می‌رفت و سوم، نقره بود.

این سکه، ابتدا پول رایج در مصر شمرده می‌شد، اما به دلیل گرانی این فلز، ممالیک سعی نمودند تا فلزی جای‌گزین آن نمایند. سیاست پولی که از طرف دولت اتخاذ گردید سبب شد داد و ستد با نقره باطل شود. به تدریج پول مسی به قدری رواج یافت که تمام معاملات و کالاها با آن سنجیده می‌شد.^۳

دیدگاه مقریزی درباره نوع پول رایج در رساله‌ای به نام *نقود اسلامی* ارائه شده است. او در این رساله، راهکار رفع بحران را بازگشت پول اصلی؛ یعنی دینار و درهم با فلز طلا و نقره در چرخه معاملات می‌داند. او در این باره می‌نویسد:

۱. مرتضی قره باغیان، فرهنگ اقتصادی و بازرگانی، ص ۳۳۶.

۲. همان، ص ۳۳۶.

۳. مقریزی، *اغاثة الامة*، ص ۱۰۱.

ما بر این باوریم که پول نقد (سکه) که به شکل شرعی و عقلی اعتبار دارد فقط طلا و نقره است و چیزی جز این دو صلاحیت پول نقد را ندارند. از سوی دیگر، زندگی مردم به حالت عادی باز نخواهد گشت، جز این که سکه‌ها به حالت طبیعی و شرعی بازگردند و قیمت کالاها و ارزش کارها فقط با درهم و دینار (طلا و نقره) محاسبه گردند.^۱

۱. او در رساله *النقود الاسلامیه* در فصلی با نام نقود مصر به بررسی وضعیت خراج‌ها و مالیات‌ها در مصر از قدیم تا دوره اسلامی می‌پردازد و با اشاره به این که در مصر پس از طوفان، خراج با طلا محاسبه می‌شد و پس از اسلام هم به این روش ادامه دادند و در عراق هم به این شیوه عمل می‌شد، وارد مرحله بررسی ضرب سکه‌ها در حکومت‌های اسلامی مصر می‌گردد. او دوران المعز، زنگیان و ایوبیان را بررسی می‌کند و نقوش رایج در هر دوره را هم معرفی می‌نماید. او با اشاره به تغییرات ضرب سکه در زمان ایوبیان و ابطال سکه‌های قبلی در سال ۵۸۳ هجری، به تأثیرات منفی این عمل ایوبیان توجه می‌کند. او شرح می‌دهد که ممالیک مجبور شدند برای بازگشت به وضعیت عادی به ضرب سکه صالحیه و ظاهره به عبار خالص نقره اقدام نمایند و تا سال ۷۸۰ هجری، بر این روش باقی بودند، اما از زمان حضور محمود بن استادار، مسئول امور مالی دولت ممالیک و رواج سکه‌های فلوس مسی، وضعیت بازار مصر بحرانی شد. ارزش پول‌ها به شدت کاهش یافت و حتی سکه‌ها را در بازار به حراج می‌گذاشتند و با کیل ارزش گذاری می‌نمودند. همه تلاش مقریزی بر آن بود تا خواننده را به این مطلب منتج نماید که قطع ضرب سکه‌های دینار و درهم، فساد در دنیا و آخرت را به دنبال خواهد داشت و این روایتی بود که از زبان سعید بن مسیب بیان شده بود. او سپس به شش فضیلت رواج سکه طلا در جامعه می‌پردازد که مهم‌ترین آنها، موافقت با سنت پیامبر ﷺ در پرداخت زکات است. او حدیثی از پیامبر ﷺ درباره وجوب پرداخت زکات با فضا را تأییدی بر مطالبش در این رساله می‌آورد. او اتباع از سنت خلفا، نکبت دانستن سکه‌های مغشوش که تمایل به ازدیاد دارند، از بین رفتن اعمالی که با غش همراه باشد بنا بر سخن پیامبر ﷺ که فرمودند: *من غشنا فلیس منا* و پیروی از نصیحت پیامبر ﷺ را از مهم‌ترین دلایل رد سکه‌های مغشوش می‌داند. مقریزی مهم‌ترین نتیجه رواج سکه‌های مغشوش در مصر را خرابی اقلیم و از بین رفتن نعمت‌های این سرزمین عنوان می‌کند (رک: مقریزی، رسائل (رساله النقود الاسلامیه)، ص ۱۵۷-۱۶۶).

مقریزی برای استقرا، نمونه‌هایی از روزگار قدیم می‌آورد و تأکید می‌کند در میان تمام ملل، پول رایج طلا و نقره بوده است.^۱ سپس با تمرکز بر تاریخ اقتصادی مصر در این باره می‌نویسد:

تا روزگار الحاکم بامرالله ششمین خلیفه فاطمی پول رایج این سرزمین دینار بود و همو کسی است که سکه نقره را ضرب کرد.^۲

سپس، اشاره می‌کند که از عصر ایوبیان برخلاف دینار و درهم که از طلا و نقره بودند، سکه سومی که ناخالصی فراوان داشت و از آلیاژ مس بود، ضرب گردید و در عصر ممالیک به عنوان پول اصلی در داد و ستد رایج شد. از همین زمان بود که بحران‌های پی‌درپی اقتصادی و به دنبال آن بحران‌های اجتماعی پدید آمدند.^۳

۳-۲-۲. تورم

دیدگاه اقتصادی مقریزی درباره ارتباط کمیت پول در جامعه با نرخ اجناس، نظریه‌ای جدید و امروزی است. او با ارائه تحلیلی اثبات می‌نماید که افزایش کمیت پول در جامعه سبب افزایش نرخ کالاها خواهد شد. مسئله‌ای که امروز به رشد تورم در نتیجه افزایش حجم پول معروف است.

دگرگونی‌هایی که همراه با تورم شدید در توزیع درآمد و ثروت پدید می‌آید و عواقب سیاسی و اجتماعی آن، ویژگی دیگری است که تورم شدید را نامقبول می‌سازد. افزایش پی‌درپی و بی‌حساب و کتاب قیمت‌ها و به همراه آن، تغییرات مداوم و توزیع درآمد و ثروت سبب از بین رفتن امنیت مالی، شیوع اضطراب اجتماعی و در نتیجه نارضایتی سیاسی می‌شود.^۴

۱. مقریزی، اغاثه‌الامة، همان.

۲. همان، ص ۹۴.

۳. همان، ص ۹۵.

۴. قبادی و رئیس دانا، پول و تورم، ص ۲۳.

در دولت ممالیک، کم شدن ارزش پول رایج سبب شد در معاملات روزمره، دولت به ضرب فلوس اقدام نماید. ضرب بی رویه این پول سبب فراگیر شدن فلوس در همه معاملات گردید و کار به آن جا رسید که به جای پرداخت عددی فلوس، از ترازو برای وزن نمودن آنها استفاده می کردند. این گزارش می تواند بیان گر تورم و ازدیاد قیمت ها نیز باشد.^۱

مقریزی آثار مخرب فلوس را بر اقتصاد مصر و زندگی مردم نشان می دهد و به ارائه قیمت اجناس و کالاهای اساسی و غیر اساسی در مصر و دیگر مناطق می پردازد. او قیمت معادل این کالاها را به درهم، دینار و قنطار^۲ محاسبه می نماید و تفاوت هزینه های زندگی مردم را در دوره های مختلف تبیین و تحلیل می کند. سپس به خواننده اجازه می دهد تفاوت دو نوع پول رایج را مشاهده نماید و به این نتیجه برسد که چیزی بدتر، زشت تر و نفرت انگیزتر از فلوس نیست که مردم را بدبخت کرده است و زندگی مردم را فاسد و مختل نموده است و دیار مصر را به نابودی کشانده است.^۳

تحلیل دیدگاه مقریزی

پیدایش سکه هایی با وزن و عیار مشخص که تأیید مقامات حکومتی را دارا باشند با کاهش خطرات بالقوه معاملات پولی و حذف فعالیت های پر دردسری چون سنجش عیار در معامله، بی تردید عامل پر اهمیتی در تسهیل امر تجارت و داد و ستدهای پولی بوده است.

۱. مقریزی، *اغاثة الامة*، ص ۷۷-۹۲.

۲. قنطار وزنی معادل صد رطل در مصر و ۴۴/۹۳ کیلوگرم در تونس ۵۳/۹ (آذرتاش آذرنوش، فرهنگ عربی انگلیسی هانسور، ج ۱، ص ۵۶۲).

۳. همان، ص ۱۰۷، ۱۰۸.

بنابراین، رواج پول مسکوک در هر منطقه که خود مبین سطح معینی از رشد مبادلات پولی و تولید کالا است، گسترش بیشتر این گونه، مبادله‌ها و تولیدات را به دنبال داشته است. اما در عین حال، تحول پدید آمدن سکه، عامل بالقوه دیگری را برای افزایش عمومی قیمت‌ها و تورم در نظام پولی پدید آورد و آن تقلب در عیار پول بود.

حکومت‌های درگیر با جنگ‌های داخلی و خارجی، یا به سبب دست و دلبازی‌های پادشاهان و دیوانیان و یا به دلیل کاهش مالیات و خراج پس از پیدایش خشک‌سالی و قحطی، گرفتار مشکل دخل و خرج نامتعادل می‌شدند و پاسخ‌گو نبودن مداخل این دولت‌ها جهت مخارج ایشان سبب می‌شد دولت با بحران مالی علاج ناپذیر روبه‌رو شود. جای‌گزینی طلا و نقره با مسکوکاتی با فلزات و آلیاژهای کم ارزش می‌توانست شکاف میان دخل و خرج حکومت‌ها را پر نماید و مشکل موجود را حل کند، اما اثر ماندنی آن، افزایش عمومی قیمت‌ها بود که مدتی بعد تحقق می‌یافت. با سرعتی اعجاب‌انگیز، سکه‌های قدیمی و با ارزش از گردش خارج می‌شدند و در صندوق‌های صرافان ذخیره می‌گردیدند و یا به خزانه می‌رفتند تا تبدیل به تعداد بیشتری از سکه‌های جدید شوند و پول بد، پول خوب را از میدان بدر می‌کرد.

نتیجه آن که جای‌گزینی سکه‌های جدید با سکه‌های قدیمی که ارزش اسمی یکسان اما ارزش واقعی بیشتر دارند، سود قابل توجهی را نصیب مجریان آن می‌کرد. رواج سکه‌های جدید به تعداد بیشتر و با ارزش کمتر، به پیدایش نرخ‌های مبادله جدیدی میان پول و کالاهای دیگر منجر می‌گردید. عملکرد قانون ارزش از طریق قانون عرضه و تقاضا، پیدایش نرخ‌های جدید و به بیان دیگر، افزایش عمومی قیمت‌ها را پدید می‌آورد.^۱ مقریزی با علم به آثار پول بد و خوب، تأثیر مخرب رواج سکه‌های کم اهمیت و بی‌ارزش در وضعیت اقتصادی مصر را نشان می‌دهد و مقایسه قیمت‌ها در صورت بازگشت

۱. قبادی و رئیس دانا، پول و تورم، ص ۵۲-۵۵.

سیستم پولی به حالت گذشته و تأثیر آن در کاهش تورم را در کتاب *اغانة الامة* تشریح می‌کند. او ابعاد مختلف این تغییر را نشان می‌دهد.

برخی از محققان مانند عادل آلوجه^۱، محقق و مترجم کتاب *علم اقتصاد در دوران ممالیک* با این عقیده موافق نیستند. در نگاه او، این کتاب منعکس کننده افکار یک خدمت‌گزار ناراضی کشوری است که بدون توجه و اشاره به شرایط تجارت جهانی که اقتصاد مصر را تحت الشعاع قرار داده بود، تنها سعی در تخطئه سیاست‌های مالی ممالیک دارد و به بزرگ‌نمایی برخی نکات، مانند محکوم کردن نقش سکه‌های مسی در پیشینه مالی و پولی کشور می‌پردازد.

آلوجه به این نکته اشاره می‌کند که کسری و فقدان نقره که مقریزی از آن شکایت می‌کند تا اندازه قابل توجهی به دلیل توازن نامطلوب تجارت جهانی بوده است، نه سوء تدبیر سیاست‌های حکومتی.^۲ عقیده عادل آلوجه درباره تغییر قیمت جهانی نقره و طلا و کمبود این دو فلز گران‌بها در تحولات قرن سیزدهم تا پانزدهم میلادی، چندان مورد تأیید نیست.

محققان معتقد هستند، همه شاخص‌های قابل دسترسی نشان می‌دهد که از اواسط قرن سیزدهم تا اواخر قرن پانزدهم میلادی با وجود افت و خیز، روال کلی و درازمدت قیمت‌ها ثابت بوده است. اوایل قرن شانزدهم میلادی، متعاقب کشف قاره آمریکا و ورود

1. Adel. Allouche: adel.allouche@yale.edu

عادل آلوجه، استاد بازنشسته تاریخ دانشگاه ییل آمریکا و محقق و نویسنده آثاری چون *اقتصاد عصر ممالیک و ریشه اختلافات صفوی و عثمانی* است.

2. Reviews of books-Mamluk Economics: A Study and Translation of al-Maqrizi's Ighathah by Adel Allouche, Journal of the American Oriental Society, Oct 1995, Vol 115.

سیم و زر قاره جدید به اروپا، قیمت‌ها رو به افزایش گذاشت. به گونه ای که در اواخر این قرن سطح قیمت‌ها به حدود شش برابر آغاز قرن گردید.^۱

مقریزی در *اغاثة الامة* به کمبود نقره اشاره می‌کند^۲ و نظریه او با اشراف بر کمبود این فلز ارائه شده است، اما این کمبود به اندازه‌ای نبود که فلوس کم ارزش را جای‌گزین نقره نماید. علاوه بر این، احتکار این دو فلز به وسیله دولتیان به امر کمبود دامن می‌زد.^۳ درحالی که دولت می‌توانست با مدیریت منابع مالی خود شرایط را کنترل نماید.

از طرف دیگر، معاصران مقریزی، نظر او را در نقش داشتن دولت در ایجاد بحران اقتصادی مصر تأیید می‌کنند. ابن ایاس در تحلیل حوادث سال‌های قحطی، افزایش بهای پول را با ارائه آماری از وضعیت قیمت‌ها در یک دوره مشخص نشان می‌دهد و عقیده مقریزی در کتاب *السلوک* و همین طور *اغاثة الامة* را تأیید می‌کند.

او تصریح می‌نماید که دلیل اصلی این امر، فساد امرای دولت است. آنها مسبب اصلی این جریان هستند؛ چون می‌دانستند که قیمت‌ها با طلا و نقره بالا نمی‌رود و به همین جهت، فلوس را وارد بازار نمودند، ضرب نقره را قطع کردند، در بذل و بخشش طلا زیاده روی نمودند و ضرب سکه را رواج دادند.^۴

هم‌چنین، عبدالرحمن سیوطی (د. ۹۱۱ق) به این فساد در بدنه حکومت ممالیک اشاره می‌نماید. او در حوادث سال ۷۹۴ هجری به شیوع وبا در مصر و نابود شدن این سرزمین می‌پردازد و می‌گوید که در اسکندریه، فلوس ناقص‌الوزن به جهت طمع ضرب شد و این امر را از اصرار در فساد می‌داند.^۵

۱. قبادی و رئیس دانا، پول و تورم، ص ۳۲.

۲. مقریزی، *اغاثة الامة فی کشف الغمة*، ص ۱۱۸.

۳. همان، ص ۱۰۲.

۴. ابن ایاس، *بدائع الزهور فی وقایع الدهور*، ص ۷۵۸.

۵. سیوطی، *حسن المحاضرة فی اخبار مصر والقاهرة*، ج ۲، ص ۲۶۴.

۳-۳. افزایش هزینه های عمومی غلاءالاطیان

هزینه های عمومی در هر دولتی در پاسخ به نیازهای متنوع در امور اجرایی و مصرفی وجود دارد، اما با بالا رفتن این هزینه ها در صورت عدم افزایش درآمد دولت، باید از منابع دیگری تأمین شوند. دولت ممالیک در بحران های سال های ۷۹۵ هجری به بعد، با استفاده از اهرم مالیات بر زمین های اقطاعی در تأمین هزینه های عمومی کارگزاران خود می کوشید.

این امر سبب تعدی مالکان زمین و یا اقطاع داران به مستاجران آن؛ یعنی کشاورزان می شد. اربابان اقطاعات هر جریب زمین را به شش برابر قیمت آن اجاره می دادند. افزایش اجرت خاک، قیمت بذر و دست مزد دروکنندگان در قیمت نهایی محصول اثر می گذارد. همچنین، افزایش دستمزدها به وسیله دولت ممالیک و ممالیک سلطانیه، هزینه عمومی دولت را افزایش می داد. مقریزی رقم دومیلیون و صد هزار درهم به اضافه گوشت، علوفه اسبها و لباس را میزان این مقرری عنوان می کند.^۱

افزایش اجاره این زمینها در هر سال، افزایش ده برابری اجرت را در یک بازه زمانی کوتاه مدت در پی داشت. همچنین، روی کار آمدن کارگزاران دولتی با صرف هزینه های گزاف و تقرب جستن به مقام بالاتر با پرداخت خراج و پول بیشتر، عناصر مولد جامعه مانند کشاورزان را تحت فشار قرار می داد. دریافت مالیات خارج از توان و بهره زمین، کشاورزان را ناچار می کرد که محصول خود را گران تر بفروشند. به گونه ای که آنچه پیش از این به اندک بهایی خریداری می شد، قیمتش افزایش چشم گیری پیدا کرد.

نمونه آن، جمال الدین استادار است که مقریزی او را یکی از افرادی می داند که فسادش در ایام ملک ظاهر و ملک ناصر، صدمات فراوانی بر اقتصاد مصر وارد نمود. او

۱. مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، جزء ۶، ص ۱۷۱-۱۷۲.

اجرت زمین‌ها را افزایش داد و بقیه هم به تبعیت از او چنین کردند.^۱ ابن ایاس هم عقیده با مقریزی بر مختل شدن وضع این قشر و اربابان اقطاع اشاره می‌کند و دلیل آن را اجرت زمین، بذر و دروکنندگان و در نهایت سوء نظر صاحبان امر می‌داند.^۲

هم‌چنین، اجرت صاحبان حرفه و صنایع به این دلیل افزایش یافت که تجار سود کالاهای خود را افزایش دادند و در مقابل صاحبان صنایع مجبور شدند، اجرت‌ها را از دو درهم به پنج درهم و یا بیشتر افزایش دهند.^۳ در کنار این مسئله، بالا نیامدن سطح آب در نیل و کم شدن زراعت زمین‌ها سبب کم شدن بذر کشاورزی و در نتیجه بالا رفتن قیمت آن گردید.

مجموعه چنین وضعیتی سبب افزایش هزینه شخم، بذر و درو شد و در نتیجه موجب به صرفه نبودن کشت‌وکار و تولید گردید. کشت نشدن زمین‌ها، کم شدن غلات، از بین رفتن نفوس بر اثر قحطی، نبود غذا، از بین رفتن چارپایان و آواره شدن انسان‌ها کمترین چیزی است که به دنبال این امر به وقوع پیوست.^۴

ابن صیرفی (د. ۹۰۰ ه.ق) هم در گزارش خود از حوادث سال‌های ۷۹۷ تا ۸۰۶ هجری، سیر صعودی قیمت‌ها را به شکل روشنی بازگو می‌کند. به عنوان مثال، قیمت آرد گندم در سال ۷۹۷ هجری از چهل درهم یک‌بار به هفتاد درهم و در سال ۸۰۶ هجری به صد و بیست درهم و در ربیع الاول همین سال به حدود صد و هفتاد و هشت درهم و در انتهای همان ماه به دویست و چهل درهم و در رجب به سیصد و در شعبان به چهارصد درهم می‌رسد. بدین ترتیب، قیمت گندم در سال ۸۰۶ از صد و بیست درهم به چهارصد درهم

۱. ابن ایاس، *بدائع الزهور وقائع الدهور*، ج ۱، ص ۷۵۹.

۲. همان، ص ۷۵۸.

۳. مقریزی، *السلوک لمعرفة دول الملوك*، ج ۶، ص ۱۷۳.

۴. مقریزی، *اغاثة الامة*، ص ۱۰۲.

افزایش یافت. به گونه‌ای که نان در قاهره یافت نمی‌شد.^۱ مقریزی هم، در این موضوع به همین شکل گزارش می‌دهد.^۲

زیاد شدن ظلم اطرافیان سلطان و ستم آنان در گرفتن مالیات از صاحبان ولایات، قضا و عمال، تحت فشار گذاردن آنها، غصب اموال مردم، بازی با پول، غصب ارث یا اموال متعلق به مردگان، سخت‌گیری بر تاجران و غصب اموال آنان و به مزایده گذاشتن آبادی‌ها برای کسب منفعت بیشتر از عواملی هستند که در کنار مباحث دیگر در بروز بحران‌ها و قحطی‌های مصر مؤثر بودند.^۳

۴. نتیجه‌گیری

مقریزی مورخی بود که در تحقیقات و پژوهش‌های تاریخی خود، گامی فراتر از شکل توصیف روایت‌ها ارائه می‌داد. موضوعی که مقریزی دنبال می‌کرد مرتبط با یک مسئله حساس معاصر او بود، نه ارائه داستانی بلند از قصه‌های آن دوران.

او برای تبیین این مسئله در عصر بحرانی ملک ظاهر برقوق از علم تاریخ بهره برد. تاریخ به او کمک کرد با روش استقرای تاریخی، نمونه‌های فراوانی از شرایط مشابه عصر خویش بیابد. سپس با کمک گرفتن از این نمونه‌ها به تبیین اوضاع دوره خود پردازد و ریشه‌های بحران را شناسایی نماید.

این مدل از یک طرف و روش او در تحلیل چند متغیری از شرایط بحرانی و چند عاملی بودن تحقیقات او از طرف دیگر می‌توانند مقریزی را در صدر مورخان هم عصرش و حتی پس از او قرار دهند.

۱. ابن صیرفی، نزهة النفوس والابدان فی تواریخ الزمان، ج ۲ ص ۱۸۶-۱۹۵.

۲. مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ج ۶، ص ۱۷۱.

۳. ابن صیرفی، نزهة النفوس والابدان فی تواریخ الزمان، ج ۲، ص ۶۶-۶۷، ۶۸.

منابع

۱. ابن ایاس، محمد بن محمد، بدائع الزهور فی وقایع الدهور، ج ۱، قاهره: بی‌نا، بی‌تا.
۲. یوسف بن تغری بردی، جمال الدین أبو المحاسن، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، مصر: وزارة الثقافة، ۱۹۶۳م.
۳. _____، المنهل الصافی والمستوفی پس الوافی، تحقیق محمد محمد امین، بی‌جا: هیئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۸۴م.
۴. ابن صیرفی، علی بن داوود، نزهة النفوس والابدان فی تواریخ الزمان، تحقیق حنی حسن، قاهره: مرکز تحقیق التراث، ۱۹۷۰م.
۵. ابن عماد حنبلی، عبدالحی، سُدرات الذهب فی اخبار من ذهب، تحقیق عبدالقادر الارناووط، بیروت: دار ابن کثیر، ۱۴۰۶هـ.ق.
۶. آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ عربی انگلیسی هانس ور، تهران: نشر نی، ۱۳۷۹.
۷. آزاد ارمکی، تقی، جامعه شناسی ابن خلدون، بی‌جا: انتشارات تیبان، ۱۳۷۶.
۸. اسپریگنز، توماس، فهم نظریه های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجائی، بی‌جا: نشر آگه، ۱۳۹۴.
۹. زیاده، محمد مصطفی، دراسات عن المقریزی، بی‌جا: مکتبه العربیه، ۱۹۷۱م.
۱۰. سخاوی، شمس الدین محمد، الضوء اللامع لاهل القرن التاسع، بیروت: دار مکتبه الحیاء، بی‌تا.
۱۱. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، حسن المحاضرة فی اخبار مصر و القاهرة، تحقیق منصور جلیل، بیروت: ناشر دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۸هـ.ق.
۱۲. غلامی دهقی، علی، اقتصاد، جامعه و مدیریت در تاریخ‌نگاری مقریزی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.
۱۳. قبادی، فرخ و رئیس دانا، فربرز، پول و تورم، تهران: انتشارات پایروس پیشبرد، ۱۳۶۸.
۱۴. قره باغیان، مرتضی، فرهنگ اقتصادی و بازرگانی، بی‌جا: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۶.
۱۵. لیتل، دانیل، تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: صراط، ۱۳۷۳.
۱۶. مقریزی تقی الدین احمد، اغاثة الامة بکشف الغمة، تحقیق محمود الهندی، بی‌جا: مکتبه الاسره، بی‌تا.
۱۷. _____، السلوک لمعرفة دول الملوک، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بی‌جا: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸.
۱۸. _____، النقود الاسلامیه المسمی بشذور العقود فی بیان النقود، تحقیق السید محمد

بحر العلوم، بیروت: دارالزهراء، ۱۴۰۸ق.

۱۹. الاسدی، محمد بن محمد بن خلیل، من حسن التدبیر و التصرف والاختیار، تحقیق عبدالقادر طلیمات، بی جا: دارالفکر الاعربی، ۱۹۶۸.

20. Reviews of books-Mamluk Economics: A Study and Translation of al-Maqrizi's Ighathah by Adel Allouche, Journal of the American Oriental Society, Oct 1995, Vol 115.

